

داعش

حشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی

بختیار علی

ترجمه‌ی سردار محمدی



نشر مرکز

داعش

خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی

بختیار علی

گزینش و ترجمه: سردار محمدی

ویرایش: تحریریه‌ی نشر

حروف چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آایی، نشر و لید نشر مرکز

طرح جلد: سعید زاشکانی

چاپ اول ۱۳۹۴، شماره‌ی نشر ۱۱۶۵، ۱۲۰۰: نشر جا جباری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۲۷۶-۸

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل آله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوحی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و مکتبی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سرشناسه: علی، بختیار، ۱۹۶۰- م. Ali, Bachtyar

عنوان و نام پدیدآور: داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی / بختیار علی؛ ترجمه‌ی سردار محمدی؛ ویرایش تحریریه‌ی نشر مرکز.

مشخصات ظاهری: شش، ۱۸۶ ص.

یادداشت: مجموعه مقالات

نمایه: کتاب‌نامه، ص. ۱۸۴، همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی.

موضوع: داعش — غبن العرب (سوریه) — تاریخ — محاصره، ۲۰۱۴ م.

شناسه‌ی افزوده: محمدی، سردار، ۱۳۶۱- مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۸۳ ع ۵/۵۲۲ HV ۶۴۳۲

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳ / ۶۲۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۸۰۲۰۷

فهرست

۱	سخنی از نویسنده برای ترجمانی فاسی کتاب
۳	معرفی اجمالی نویسنده
۵	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	داعش، ماشین فاشیستی
۲۳	داعش و جستاری مقدماتی درباره‌ی تکنیک‌های تفسیر و حمایت
۳۳	هویت ابدی / هویت موقت (تلاش برای خوانش ثبات و تغییر - در عرق)
۴۵	فاشیسم و تفاوت
۵۳	کوبانی و بازگشت به انسان طبیعی
۶۱	روح مقاومت در کوبانی از کجا ناشی می‌شود؟
۷۳	کوبانی - ناسیونالیسم - آرمان شهر
۹۹	روایای ژئوپلیتیکی
۱۳۵	خوانش ژئوپلیتیکی از هگل
۱۴۷	نقد عقل فاشیستی (گفت‌وگوی منصور تیغوری با بختیار علی)
۱۷۵	مؤخره‌ی مترجم
۱۸۵	نماینه

سخنی از نویسنده برای ترجمه‌ی فارسی کتاب

هدف از نوشتن این سطر در درجه‌ی نخست اعلام رضایت بنده مبنی بر ترجمه‌ی مقالات موجود در این کتاب توسط سردار محمدی و چاپ این مقالات توسط نشر مرکز می‌باشد. و همچنین ذکر چند نکته در مورد این مقالات: نخست، برخی از این مقالات ترجمه شده از کتاب تنها بخش کوتاهی از نوشته‌های بلندتر و تحقیقات مفصل‌تر هستند. به عنوان نمونه، مصاحبه با منصور تیفوری به صورت یک کتاب کامل می‌باشد که قرار است در خارج از ایران به زبان کردی چاپ شود و آنچه در این کتاب آورده شده است بخش کوتاهی از آن مصاحبه است.

دوم؛ نوشتن در مورد فاشیسم در نوشته‌های من پروژه‌ای طولانی است که جلد نخست آن به عنوان «ماشین‌های فاشیستی» همانند کتاب بالا زیر چاپ قرار دارد و در سال جاری به بازار عرضه خواهد شد.

بنیاد علی

معرفی اجمالی نویسنده

بختیار علی (متولد ۱۸۹۰) از نویسندگان و متفکران مطرح کردستان است که با نوشتن کتاب‌های مقالات اجتماعی و فلسفی گام مهمی در جهت روشنگری جامعه‌ی کردی برداشته است. نه‌شتن بیش از بیست کتاب و ده‌ها مقاله توسط ایشان نشان از تلاش وی در جهت بررسی مسائل اجتماعی منطقه دارد. در ایران بیشتر او را به‌عنوان داستان‌نویس می‌شناسند. استقبال فراوان از رمان‌های این نویسنده موجب شده است تا نوشته‌های وی برای خوانندگان ایرانی ناشناخته بماند؛ درحالی‌که وی خود را بیشتر نویسنده‌ای می‌داند که مسائل نظری دغدغه‌ی اصلی او است. نخستین ترجمه از کارهای نظری وی، توسط آ. من در سال ۱۳۹۳ با استقبال فراوان روبه‌رو شد. همین امر موجب شد که ترجمه‌ی دیگر نوشته‌های نظری ایشان ادامه پیدا کند و کتاب حاضر نیز مجموعه‌ای از مقالات او در مورد فاشیسم و خشونت شرقی است. برخی از کتاب‌هایی که تا کنون به زبان فارسی از بختیار علی ترجمه شده‌اند به قرار زیر است:

- ۱- آخرین آثار دنیا (رمان)، ترجمه‌ی آرش سنجابی، انتشارات افراز ۱۳۸۸؛ همچنین به ترجمه‌ی مریوان حلبچه‌ای، انتشارات ثالث، ۱۳۹۳.
- ۲- شهر موسیقی‌دان‌های سفید (رمان)، ترجمه‌ی رضا کریم مجاور، انتشارات مروارید، ۱۳۸۹. با همین مترجم و با انتشارات افراز ۱۳۹۱. این رمان با این مشخصات هم ترجمه شده است: هم‌نوازان سپید، ترجمه‌ی آرش سنجابی، انتشارات آمه، ۱۳۹۲.
- ۳- نردبانی در غبار (گزیده‌ی اشعار)، ترجمه‌ی عباس محمودی، انتشارات افراز، ۱۳۹۰.
- ۴- قصر پرندگان همگین (رمان)، ترجمه‌ی رضا کریم مجاور، انتشارات افراز، ۱۳۹۲.

- ۵- مرگ تک همزند دوم (رمان)؛ ترجمه‌ی سردار محمدی، انتشارات افراز، ۱۳۹۳.
- ۶- غزل‌نویس و باغ‌های خیال (رمان)، ترجمه‌ی سردار محمدی، انتشارات افراز، ۱۳۹۳.
- ۷- آیا با لاکان می‌توان انقلابی بود؟ (مقاله‌ی در فلسفه و روانکاوی)، ترجمه‌ی سردار محمدی، انتشارات افراز، ۱۳۹۳.
- ۸- از پیلد به ناپیلد (مباحثی در نوگرایی ادبی و مسئله‌ی روش)، ترجمه‌ی سردار محمدی، انتشارات افراز، ۱۳۹۴.

سردار محمدی

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم^۱

چه چیز سبب ظهور نسل‌های خشنونت‌طلبی نظیر داعش در شرق می‌شود؟ ماهیت فلسفی و هستی‌شناختی این نوع از خشنونت و این گروه‌های تروریستی که خشنونت را به آخرین حد خود رسانده‌اند چیست؟ آیا عوامل خارجی در ظهور آن مؤثر بوده‌اند؟ آگاه‌های سیاسی منطقه به ظهور آنها کمک کرده‌اند؟... و همچنین باید پرسید روح دفاع‌طلبانه در کوبانی از کجا ناشی شده است؟ چه چیز موجب می‌شود، گروه کوبانی از مردم یک شهر دورافتاده‌ی مرزی در مقابل با داعش از ارتش سازماندهی شدنی یک کشور بهتر عمل کنند و ماه‌ها در مقابل آن بایستند؟

بختیار علی در مقالات موجود در این کتاب در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است.

^۱. ترجمه‌ی این کتاب زمانی صورت گرفت که نبرد در کوبانی هنوز ادامه داشت و شهر در محاصره‌ی نیروهای داعش بود. از این رو مقالات موجود بیشتر وضعیت نبرد و ماهیت مقاومت در کوبانی را بررسی می‌کنند. آزادی این شهر خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد که نیاز به بررسی جوانب بیشتر دارد؛ من جمله ورود نیروهای پیش‌مرگه کردستان عراق به این شهر، اعتراضات مردم ترکیه در حمایت از مردم کوبانی و اعتراض به عدم دخالت و حمایت دولت ترکیه از مدافعان شهر، بمباران مواضع داعش توسط نیروهای ائتلاف و همچنین حمایت برخی کشورهای منطقه از مدافعان شهر و بازتاب آن در رسانه‌های بین‌المللی از عوامل مؤثر در پیروزی این شهر است. با تمام این اوصاف نظریات ارائه شده در مورد دفاع مردم کوبانی از شهر همچنان صادق بوده و حتی در صورت شکست این شهر نیز چیزی از اهمیت آن نمی‌کاست و ماهیت فلسفی دفاع مردم به‌قوت خود باقی بود.

در مقاله‌ی نخست بختیار علی با رویکرد فلسفی و نگاه انتقادی به فرهنگ شرقی به بررسی پدیده‌ی داعش پرداخته است. در این نوشتار او به صراحت می‌گوید: «داعش تنها نماینده‌ی نیرویی وحشی و خطرناک و بی‌رحم نیست که در درون «دیگری» خوابیده است، بلکه نمایانگر نیرویی ترسناک و تاریک است و نیز مکانیسمی برای معامله و برخورد با قدرت و انسان؛ داعش دروازه‌ای برای هم روان انسان‌ها و تاریخ صد سال اخیر این منطقه است. داعش همان ماشین فاشستی است که در سده‌ی اخیر، شرق گاهی آن را فرامی‌خواند و گاه آن را از خود می‌راند. گاهی نام آن را تغییر می‌دهد، صورت دیگری به آن می‌بخشد، آن را سرکوب می‌کند و گاهی به آن لعاب دینی، مارکسیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی می‌بخشد. اما همواره همچون کابوسی بازمی‌گردد.» در ادامه می‌نویسد: «... داعش تنها رجز ته‌مازای و شکل بنیادین تر همان قالب ایدئولوژیکی است که پیشتر در سیمای بی‌ها، القاعده، آتاتورکیسم و دیگر گروه‌های افراطی ظاهر شده بود. پدیده‌ای است برگ در قالب دولت و گاه در قالب ضد دولت خود را نشان می‌دهد.» وی با به چالش کشیدن «نظام کاپیتالیسم شرقی» و همچنین گروه‌های سیاسی منطقه، داعش را پیامد سیاست‌های نادرست مبتنی بر تعریف تمایز هویت‌ها و ساختن مرزهایی آذین‌دار می‌داند. این هویت چنان در درون مرزهای خود اسیر شده است که نباید پذیرش هیچ هویت دیگری را ندارد و با تأکید بر راستین بودن هویت «خود» و دروغ بودن هویت «دیگری» سعی در از بین بردن آن دارد. بختیار علی این پدیده را در پایان مقاله‌ی مورد نقل این‌گونه تبیین می‌کند: «داعش نیرویی بیگانه و غریب نیست، نیرویی متفاوت از معادله‌هایی نیست که از درون و لایه‌های زیرین، کلیت جامعه را در بنش و حرکت وامی‌دارند. داعش، بعث و تعدادی نام دیگر ماشین‌های فاشیستی هستند که نیروشان در این است که در شیوه‌های ناهماهنگ و متضاد ظاهر شوند. در اینجا ساختار کلی از طریق تقدیس کردن تفاوت‌گذاری میان بخش‌های مختلف عمل می‌کند. ماشین، همیشه همان ماشین خواهد بود، با همان میل و اخلاق و ساختار و با همان نگرش و دیدگاه نسبت به انسان. تنها چیزی که تغییر خواهد کرد، نام‌های آن است و همچنین مکان و زمان ظاهر شدنش.»

در مقاله‌ی دوم، بختیار با استفاده از تعریف نیکلاس لومان در مورد قدرت که

آن را بر اساس رابطه‌ی میان دو طرف معادله‌ی قدرت توصیف می‌کند، بر این باور است که در معادله‌ی قدرت میان داعش و مردم و نیروهای منطقه این معادله‌ی لومانی برهم خورده است. به جای گزاره‌ی «ممکن است به گونه‌ای دیگر رفتار کنیم» که در معادله‌ی لومان نوعی تهدید پنهان و درونی برای حفظ قدرت است، گزاره‌ی «اکنون به گونه‌ای دیگر رفتار خواهیم کرد» می‌نشیند و این تهدید درونی عملی می‌شود و معادله کاملاً به هم می‌خورد. از این رو بختیار معتقد است داعش قدرت ندارد بلکه از حضور دیگری وحشت دارد. به همین دلیل تنها با حذف دیگری، نه بستن قرارداد با او است که می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

در این مقاله بختیار پس از بیان چند نکته‌ی اساسی درباره‌ی ماهیت داعش، به بیان راه کار سوزه با داعش می‌پردازد و می‌گوید: «مقابلۀ با داعش تنها با مقابلۀ نظامی انجام نخواهد گرفت، بلکه زمانی می‌توان به مقابلۀ با داعش برخاست که از کلیت تفکر فاشیستی خارج شویم. تفکری که بر اساس الحاق کردن خود به قومیت و مذهب شکل گرفته است. این بدین معنا نیست که انسان دست از هویت خود بردارد، آن گونه که تبلیغات فاشیستی از آن به عنوان راهی جهت خشتی کردن ایده‌های مخالف با فاشیسم استفاده می‌کنند، بلکه به این معنا است که با استفاده از هیچ هویت دینی و ملی‌ای «دیگری» بیکانه ساخته نشود».

در مقاله‌ی سوم، بختیار علی با استفاده از مفهوم هویت و تأثیر آن بر گروه‌های قومی و قبیله‌ای خاورمیانه و شرق در بروز خشونت‌های این منطقه، در تلاش است تا با استفاده از این مفهوم و بررسی دو نوع از هویت یعنی «هویت ثابت و همیشگی» و «هویت موقت و لحظه‌ای» نشان دهد که هویت می‌تواند نقش اساسی در به وجود آمدن ایدئولوژی‌های بسته و فاشیستی داشته باشد. هویت‌های همیشگی آن هویت‌هایی هستند که پیشاپیش تعریف جامع و بسته‌ای از آنها ارائه می‌شود و سوزه‌های انسانی را به پیروی و تبعیت از آن وامی‌دارند. هویتی که هرگز دچار تغییر نخواهد شد و سوزه ناچار است خود را با آن تعریف کند. هر انسان و گروه دیگری نیز که در درون این هویت قرار نداشته باشند به عنوان «دیگری» و دشمن نگریسته خواهد شد و تلاش برای نابودی دشمنان در صدر برنامه‌های سوزه‌های ایدئولوژیک قرار خواهد گرفت. در مقابل اما، هویت لحظه‌ای، هویتی گشوده و در حال تغییر است که می‌تواند بنا به شرایط زمان و مکان مشخص تغییر

کند و با دیگر هویت‌ها رابطه‌ای دوستانه داشته باشد. هویتی که تنها خود را به عنوان مرکز عالم و مبنای حقیقت نمی‌بیند. داعش در این تفسیر به همراه دیگر گروه‌های افراطی و تروریست که دارای هویت همیشگی و ایدئولوژی بسته هستند، تمام دیگر هویت‌های منطقه را به چشم دشمن می‌نگرند و وظیفه‌ی خود می‌دانند با از بین بردن هر هویت دیگری درستی و حقیقت هویت خود را به اثبات برسانند. در این مقاله بختیار همچنین به ورود مدرنیسم به شرق اشاره می‌کند؛ مدرنیسم به بر اساس عدم ثبات و تغییر به وجود آمده است، سبب ایجاد نوعی تناقض در میان گروه‌ها و ملت‌ها و هویت‌های این منطقه شده است. از یک طرف این گروه‌ها قائل به سنت ثابت و همیشگی هستند و از طرف دیگر با ورود مدرنیسم و تغییر هر دین، شهرها و معماری مدرن، خود این گروه‌ها در پی استفاده از این تغییر برآیند و استفاده از مدرنیزاسیون سعی در نشان دادن تغییر در ماهیت خود دارند، هر چند که این استفاده‌ی ابزاری از مدرنیته و معماری تلاشی برای نشان دادن تغییر است، اما در ماهیت خود هیچ‌گونه تغییری ایجاد نخواهند کرد و همچنان بر اساس هویت ابدی در تلاش خواهند بود و همواره با نام آن هویت سعی در اعمال خشونت و از بین بردن دیگر دارند.

مقاله‌ی بعدی با عنوان «فاشیسم و تفاوت» باز هم تلاشی در جهت تبیین هویت و قائل بودن تفاوت از جانب نیروهای منطقه است. تفاوتی که بر اساس «من خوب» و «دیگری بد» شکل گرفته است. و باز در اینجاست که همین نگرش در تفاوت منجر به تلاش برای حذف دیگری بد خواهد شد و خشونت و بروز حاصل آن خواهد بود. بختیار در این نوشتار با استفاده از مفاهیم نیچه‌ای و سوزی سعی در تبیین این نظر دارد.

در مقاله‌ی «کوبانی و روح مقاومت» بختیار علی به بررسی علل و عوامل مقاومت مردم عادی در کوبانی می‌پردازد و با اشاره به ناقص بودن تئوری هگل در رابطه‌ی ارباب و برده، شکل نوینی از رابطه را توصیف می‌کند که در آن دیگر ارباب تنها با تسلیم و تعظیم برده، احساس به ارباب بودن خود نخواهد داشت و با مرگ او است که می‌تواند ارباب بودن خود را ثابت کند. در این میان، به باور بختیار آنچه مهم‌تر از دو طرف کشمکش، یعنی ارباب و برده است، طرف سوم است که نقش «فریادرس» را بازی می‌کند. بختیار در این مقاله با استفاده از مفهوم «حیات برهنه»، البته نه در

آن معنایی که آگامبن به کار برده است، سعی می‌کند تا دلیل مقاومت مردم کوبانی را حفظ حیات برهنه‌ی خویش بداند؛ دفاعی که در مقابل اربابی انجام می‌شود که تنها با مرگ و سر بریدن برده احساس اربابی خواهد کرد. بختیار علی نقش فریادرس را به این نظریه برمی‌گرداند که چون نظام سیاسی جهانی نمی‌خواهد اذعان کند که این نوع جدید از رابطه حاصل خود این نظام است، سعی در بازگرداندن دفاع از کوبانی به داخل نظام دارد و آن را عملی ضد تروریسم و دشمنان نظام جهانی می‌داند. اما بختیار معتقد است که دفاع از کوبانی دفاعی است به منظور بازگشت به وضعیت قبل از هرگونه ایدئولوژی و نظام سیاسی و فرهنگی؛ بازگشت به انسان طبیعی، البته نه در معنای نابزی آن، بلکه در معنایی که انسان جز خود امید به هیچ وکیل و فریادرسی جهت برقرار نمودن نظم، آتش ندارد.

مقاله‌ی بعدی، «مقاله‌ی از مریوان وریا قانع است با نام «روح دفاع در کوبانی از کجا ناشی می‌شود؟» که در آن سعی دارد به نقد مقاله‌ی بختیار علی بنشیند و تلقی او از حیات برهنه و انسان طبیعی را به چالش بکشد و نشان دهد که دفاع مردم در کوبانی نه به دلیل حفظ جان، بلکه به خاطر ناسیونالیسم است. مریوان با اشاره به نظریه‌ی بندیکت اندرسون، می‌گوید که نام بونا اسم جنبه‌ی آرمانی دارد و کوبانی همان آرمان‌شهر ناسیونالیسم است. وی همچنین به این اشاره می‌کند که کوبانی نوعی «پولیس یونانی» است. یعنی همان دولت، شهرهای یونان باستان است.

بختیار علی در مقاله‌ی بعدی به انتقادات مریوان پاسخ داده است و سعی دارد نشان دهد که برداشت او از نوشتارش سطحی بوده و نیاز به دقت بیشتر دارد. همچنین بختیار علی برخی نظریات فیلسوفان غربی که مریوان از آنها استفاده کرده است را بازخوانی می‌کند تا نشان دهد مریوان در به‌کارگیری این تئوری‌ها ناتوانسته یا نادانسته دچار اشتباه شده است. بختیار همچنین به این اشاره می‌کند که بسیاری نویسندگان در نوشته‌ها و نظرات خود سعی دارند هرگونه جنبش بیرون از نظام و عمل انسانی را به نفع نظام و ایدئولوژی خاصی تصرف کنند و به درون نظام بکشند. این سخن اشاره به مریوان است که سعی دارد کوبانی را به‌سوی کلان‌روایت ناسیونالیسم و یا مارکسیسم و جنبش چپ بکشد.

در مقاله‌ی بعدی مریوان وریا قانع «اسلاوی ژیزک»، فیلسوف اسلونیایی را بازخوانی می‌کند و به انتقاد از ایده‌ها و نوشته‌های او می‌پردازد و با اشاره به اینکه

سخنان او موجب نوعی افراطی‌گری و خشونت فاشیستی خواهد شد، می‌گوید که شرق در صد سال پیش و در قرن نوزدهم با سخنان سید قطب این نوع از رادیکال بودن را تجربه کرده است و با تشبیه ژئیک به سید قطب، نشان می‌دهد راه‌کاری که ژئیک برای ما پیشنهاد می‌کند، پیشتر تجربه شده است و حاصل آن گروه‌های تندرو و تروریستی نظیر داعش و القاعده بوده است. مریوان ریشه‌ی این گروه‌ها را نظریات سید قطب برمی‌گرداند و به مفهوم جهاد علیه نظام جهالت جهانی که یکی از مفاهیم کلیدی سید قطب است می‌پردازد. او با بیان اینکه سید قطب معتقد بود در جهان کنونی جهالت جهانی سعی در از بین بردن اسلام دارد، به این نتیجه می‌رسد که «از رویی انقلابی و از جان گذشته نیاز است تا همچون «صحابه‌ی جدید» نیز، گرسه اسلام داشته باشند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنند. مریوان می‌گوید که ژئیک نیز برای براندازی نظام چنین نظرات رادیکالی دارد و قهرمانانی به او برای کار انتخاب می‌کند دارای همان ویژگی «صحابه‌ی جدید» در اندیشه‌ی سید قطب هستند.

مقاله‌ی بعدی که باز به تلم بختیار علی است، با عنوان «خوانش ژئیک از هگل» سعی دارد نشان دهد برداشت مریوان و دیگر نویسندگان جوامع شرقی و حتی برخی نویسندگان غربی درباره‌ی ژئیک و فلسفه‌ی او نادرست است. برای درک ژئیک باید هگل و لاکان را به‌خوبی درک کرد. تا جایی که آنچه در نظریات ژئیک به‌عنوان افراط‌گرایی و خشونت دیده می‌شود، بنا به تفاسیر هگلی راهی برای درهم شکستن نظام سرمایه‌داری و دفاع از فرهنگ محلی برای تبدیل به آرمان و فرهنگی جهانی است، نه دفاع از فاشیسم و افراط‌گرایی.

آخرین نوشتار این کتاب گفت‌وگویی از منصور تیغوری با بختیار علی است که در آن به بررسی مفهوم خشونت و فاشیسم در شرق و خاورمیانه می‌پردازد و سعی در روشن کردن مفهوم و منظور خود از به‌کارگیری «فاشیسم شرقی» در برابر مفهوم کلاسیک و غربی فاشیسم دارد. در این گفت‌وگو بختیار علی با اشاره به اینکه همواره از اولین نوشته‌های خود چه در قالب رمان و شعر و چه مقالات نظری‌اش در پی تبیین مفهوم فاشیسم شرقی بوده است، اشاره می‌کند که برخی برداشت‌ها و تفاسیر از تلقی او از این مفهوم نابه‌جا و نادرست بوده که نشان از آن دارد یا تمامی نوشته‌های او به‌دقت خوانده نشده‌اند و یا برخی در پی این هستند

که مانع از روشن شدن این مفهوم شوند تا همچنان بتوانند به رویکرد فاشیستی خود ادامه دهند.

در این مقدمه با ذکر خلاصه‌ای از مقالات کتاب سعی داشتم تا اهمیت ترجمه‌ی این مقالات برای خواننده مشخص شود. موضوع اصلی این مقالات تبیین و تفسیر خشونت جدید و فاشیسم شرقی است. به‌ویژه گروه تروریستی داعش که با توسل به مفهوم جهاد اسلامی منطقه را به گورستان تبدیل کرده است. علاوه‌براین، آوردن دو نظر به از دو شخصیت با رویکردهای کاملاً متفاوت به این دلیل بوده است تا نشان میدهیم که از یک پدیده‌ی اجتماعی و سیاسی تا چه حد می‌توان برداشت‌هایی متفاوت داشت.

در مآخراک که در کتاب نوشته‌ام با اشاره به نظریات این دو نویسنده و نکاتی درباره‌ی آنها، سعی شد کمی به خوانش بهتر متن بشود. ابتدا به بررسی داعش و کوبانی و سپس به بررسی ریزک و نواقصی که به نظر می‌رسد در مقالات بختیار و مریوان حضور دارد، سراجی پرداخت.

لازم به ذکر است همه‌ی آورده‌ها در ترجمه‌ی فارسی افزوده شده‌اند؛ مگر چند موردی که نویسنده آورده و مشخصاً ...